

جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد نظامی امنیتی عربستان سعودی (روند گذشته، وضعیت کنونی و سناریوهای آینده)

محمدصادق جوکار^۱
سیدمهدی مدنی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۷/۲۶

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۰/۱

صفحات مقاله: ۱۷۰ - ۱۴۹

چکیده

مسئله‌ی اصلی این پژوهش شناخت جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد نظامی و امنیتی عربستان است. در این چارچوب فرضیه‌ی اصلی این مقاله این است که: تغییر توازن قدرت نامتعارف منطقه‌ای سبب ناکارآمدی سیاست سنتی بازدارندگی متعارف عربستان در منطقه شده و این کشور را وادار به پیگیری اشکال مختلف بازدارندگی هسته‌ای می‌کند. برای تحلیل این فرض، مقاله دارای سه بخش خواهد بود. بخش اول به بررسی انگیزه‌های کشور عربستان به عنوان یک دولت به دنبال بقا و امنیت در نظام آنارشیک در شرایط عدم توازن قوای منطقه‌ی خلیج فارس می‌پردازد. این بخش که در واقع تحلیل نظری چرایی تلاش احتمالی عربستان سعودی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای در صورت پیشرفت برنامه‌های هسته‌ای ایران است، مبنی بر چارچوب تحلیلی نورنالیسم برای تحلیل سیاست خارجی منطقه‌ی خلیج فارس است. و سعی می‌کند از منظر دولت عربستان شرایط توزیع قدرت منطقه‌ای، شرایط بازدارندگی و ضرورت آن به منظور تأمین منافع آن کشور را توضیح داده و جایگاه الگوی متعارف و نامتعارف بازدارندگی و توازن قوا را بیان کند. بخش دوم مقاله با بیان جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد این کشور به تاریخچه اقدامات عربستان در زمینه‌ی دستیابی به سلاح هسته‌ای و وسایل پرتابی آن در دو بُعد توسعه‌ی تأسیسات داخلی و خرید از کشورهای ثالث و تحلیل داده‌های منتشر شده درباره‌ی گزینه‌های عربستان برای دستیابی به سلاح هسته‌ای پرداخته و در پایان این بخش ظرفیت‌های فنی، و صنعتی این کشور در زمینه‌ی گسترش سلاح هسته‌ای بررسی می‌گردد. در بخش سوم و پایانی نیز دورنمایی آینده‌ی منطقه‌ی خاورمیانه با

۱ دانشجوی دوره‌ی دکتری رشته روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

۲ کارشناس ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

تمرکز بر سناریوهای احتمالی بازدارندگی هسته‌ای با فرض پیشرفت برنامه‌ی هسته‌ای ایران برای کشور عربستان ترسیم می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کشور عربستان با شرایط کنونی ظرفیت‌های علمی، فنی و صنعتی غیرمحمول است تا توانایی تولید سلاح هسته‌ای و وسایل پرتابی آن را داشته باشد، ولی به دلیل پیشرفت برنامه‌ی هسته‌ای ایران این کشور دارای انگیزه‌ی بالایی در توسعه و برنامه‌ی هسته‌ای با توجه به درآمدهای سرشار نفتی خود از طریق فعالیت‌های پنهانی خواهد داشت. هرچند به دلیل حساسیت سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی به یافتن و نابودسازی بازارهای سیاه قاچاق مواد شکافت‌پذیر و ادوات مرتبط با آن، تحقق تولید بومی سلاح هسته‌ای در عربستان دشوار به نظر می‌رسد. از این رو، سناریوهای دیگری چون خرید سلاح هسته‌ای و وسایل پرتابی آن و نیز انعقاد موافقت‌نامه‌های امنیتی ایجاد چتر امنیتی هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ قابل تأمل تر به نظر می‌رسد. ولی در هر صورت این پژوهش نتیجه می‌گیرد که ورود مؤلفه‌های هسته‌ای به راهبردهای نظامی کشورهای منطقه چه به صورت بومی با ماهیت پنهانی و چه به صورت موافقت‌نامه‌های امنیتی در تحولات آتی منطقه‌ی خلیج فارس به صورت امری محتوم درآمده است.

* * * * *

کلید واژگان:

توازن منطقه‌ای، خلیج فارس، عربستان سعودی، سلاح هسته‌ای یا بازدارندگی نامتعارف، ایران

مقدمه

از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ رسانه‌ها از تلاش عربستان سعودی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای خبر می‌دادند (Colvin, 1994). چنین مباحثی در سال‌های اخیر نیز دوباره از سر گرفته شده است (Yana Feldman, 2004). این پژوهش سعی می‌کند تا با بازشناسی انگیزه، اهداف دولت عربستان برای دستیابی به سلاح هسته‌ای، اقدامات پیشین این کشور برای کسب سلاح، دورنمایی از وضعیت آینده جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد امنیتی عربستان سعودی ترسیم نماید.

مسئله‌ی اصلی

این پژوهش شناخت جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد نظامی و امنیتی عربستان است.

در این چارچوب:

فرضیه‌ی اصلی این مقاله این است که: تغییر توازن قدرت نامتعارف منطقه‌ای سبب ناکارآمدی سیاست سنتی بازدارندگی متعارف عربستان در منطقه شده و این کشور را وادار به پیگیری اشکال مختلف بازدارندگی هسته‌ای می‌کند.

برای تحلیل این فرض، مقاله دارای سه بخش خواهد بود. بخش اول به بررسی انگیزه‌های کشور عربستان به عنوان یک دولت به دنبال بقا و امنیت در نظام آنارشیک در شرایط عدم توازن قوای منطقه‌ی خلیج فارس می‌پردازد. این بخش که در واقع تحلیل نظری چرایی تلاش احتمالی عربستان سعودی برای کسب سلاح در صورت پیشرفت برنامه‌های هسته‌ای ایران است مبتنی بر چارچوب تحلیلی نورنالیسم برای تحلیل سیاست خارجی منطقه‌ی خلیج فارس است. و سعی می‌کند از منظر دولت عربستان، شرایط توزیع قدرت منطقه‌ای، شرایط بازدارندگی و ضرورت آن به منظور تأمین منافع آن کشور را توضیح داده و جایگاه الگوی متعارف و نامتعارف بازدارندگی و توازن قوا را بیان کند.

بخش دوم مقاله با بیان جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد این کشور، به تاریخچه‌ی اقدامات عربستان در زمینه‌ی یک سلاح هسته‌ای و وسایل پرتابی آن در دو بعد توسعه‌ی تأسیسات داخلی و خرید از کشورهای ثالث و تحلیل داده‌های منتشر شده درباره‌ی گزینه‌های عربستان برای یک سلاح هسته‌ای پرداخته و در پایان این بخش ظرفیت‌های فنی، و صنعتی این کشور در زمینه‌ی گسترش سلاح هسته‌ای بررسی می‌گردد. در بخش سوم و پایانی نیز دورنمای آینده‌ی منطقه‌ی خاورمیانه با تمرکز بر سناریوهای احتمالی بازدارندگی هسته‌ای با فرض پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران برای کشور عربستان ترسیم می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کشور عربستان با شرایط کنونی ظرفیت‌های علمی، فنی و صنعتی خود، غیرمحمتمل است تا توانایی تولید سلاح هسته‌ای و وسایل پرتابی آن را داشته باشد، ولی به دلیل پیشرفت برنامه‌ی هسته‌ای ایران این کشور با توجه به درآمدهای سرشار نفتی خود، انگیزه‌ی بالایی در توسعه و برنامه‌ی هسته‌ای به صورت پنهانی خواهد داشت. هرچند به دلیل حساسیت سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی به یافتن و نابودسازی بازارهای سیاه قاچاق مواد شکافت‌پذیر و ادوات مرتبط با آن، تحقق تولید بومی سلاح هسته‌ای

در عربستان دشوار به نظر می‌رسد. از این رو، سناریوهای دیگری چون خرید سلاح هسته‌ای و وسایل پرتابی آن و نیز انعقاد موافقت‌نامه‌های امنیتی، ایجاد چتر امنیتی هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ قابل تأمل‌تر به نظر می‌رسد.

در هر صورت این پژوهش نتیجه می‌گیرد که ورود مؤلفه‌های هسته‌ای به راهبردهای نظامی کشورهای منطقه چه به صورت بومی با ماهیت پنهانی، و چه به صورت موافقت‌نامه‌های امنیتی در تحولات آتی منطقه‌ی خلیج فارس به صورت امری محتوم درآمده است. به‌ویژه این‌که کشور ایران نیز برای حفظ بقا و امنیت خود در برابر تهدیدات نظامی اسرائیل و طرح‌های تغییر رژیم ایران از سوی ایالات متحده، مصرانه در پی تقویت و توسعه‌ی دانش علمی و فنی خود در حوزه‌ی انرژی هسته‌ای است.

دلالت‌های سیاست‌گذارانه‌ی این پژوهش نیز این است که تحقق صلح در منطقه از یک سو در گرو تضمین امنیتی ایران از سوی غرب و عدم تهدید نظام سیاسی و قلمروی سیاسی آن از سوی آمریکا، اسرائیل و کشورهای غربی، به همراه به رسمیت شناختن حق مشروع بهره‌برداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای می‌باشد تا ایران مجبور به توسعه‌ی ابعاد دیگر برنامه‌ی صلح‌آمیز هسته‌ای به منظور حفظ امنیت خویش نشود. در چنین شرایطی، کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس نیز با رفع تهدید تکثیر سلاح هسته‌ای در منطقه، انگیزه‌ی خود را برای یک بازدارندگی منطقه‌ای از طریق پیگیری برنامه‌ی نظامی هسته‌ای از دست خواهند داد. اما روند کنونی تحولات سیاسی منطقه‌ی خاورمیانه، حاکی از شکل‌گیری آمیزه‌ای از بدفهمی تعاملی و فرهنگ هابزی بین بازیگران سیاسی است که منتج به ورود مقوله‌ی سلاح‌های غیرمتعارف در تدوین راهبردهای نظامی کشورهای منطقه به‌خصوص کشور عربستان سعودی خواهد شد.

بخش اول: سنت نئو رئالیستی و ضرورت موازنه‌ی قدرت

این بخش سعی می‌کند تا چگونگی تأثیر تغییر در موازنه‌ی قدرت به عنوان یک محرک جدی برای تکاپوهای امنیتی کشورها را بررسی کند. از این رو، ابتدا با بیان مختصر جایگاه موازنه، ۲ نوع موازنه‌ی متعارف و نامتعارف بیان می‌شود و در قسمت پایانی این بخش تصور

کشور عربستان از شکل‌بندی توزیع قدرت و ضرورت موازنه‌ی قدرت متعارف و نامتعارف در منطقه‌ی خاورمیانه به عنوان محرک سیاست‌های امنیتی این کشور توضیح داده می‌شود.

الف: توضیح نظری ضرورت موازنه در سنت رئالیسم: مفروضات نظری و محتوایی

نئورئالیسم دارای یک سنت غنی همراه با اشکال متنوع است. با این وجود برخی از اصول مسلم آن را می‌توان به عنوان نقطه‌ی شروع توضیح نظری مورد استفاده قرار داد (Collard: 397-432). والتز، پدر نئورئالیسم بر آن است که سرشت سیاست در یک سیستم از پیش موجود از اصل نظم‌دهنده‌ی آن منشعب می‌شود که به نظر وی به دو شکل آنارشی و هیرارشی (سلسله مراتبی) است. (Buzan, 1993: 39)

نئورئالیست‌ها استدلال می‌کنند که سیستم بین‌الملل آنارشیک است. از نظر آنان سیستم بین‌الملل به این معنی آنارشیک نیست که در آن هرج و مرج و خشونت گسترده و فراگیر وجود دارد، بلکه به دلیل عدم وجود هر نوع حکومت جهانی و یا حاکم جهانی آنارشیک است. در درون این سیستم دولت‌ها بازیگران اصلی و مسلط هستند.

دولت‌ها به این دلیل اصلی‌ترین بازیگر روابط بین‌الملل هستند که آنها به بهترین وجه با بقا در سیستم بین‌الملل تطبیق یافته‌اند. در آنارشی، منطق بقا حکم می‌کند که واحدها در معرض فشار جامعه‌پذیری، رقابت قرار داشته که آنها را وادار می‌سازد تا از موفق‌ترین رفتار نهادی هم‌نوعان خود تقلید نمایند. (Buzan, 1993: 39) همان‌گونه که والتز بیان می‌کند: ارتباط نزدیک و اجباری دولت‌ها با هم که از طریق تحمیل آسیب‌های ناشی از عدم اجرای رویه‌های موفق ظاهر می‌شود باعث ارتقای شباهت بین آنها می‌شود. (Waltz: 128) دولت‌هایی که در آنارشی ظاهر می‌شوند یکپارچه عقلانی هستند و بالاتر از هر اولویتی از طریق درصدد پیشینه کردن سودمندی‌های مورد نظر خود به دنبال بقا بوده و به طور طبیعی منافع ملی خود را پی می‌گیرند. این منافع ملی طبق نظر نئورئالیسم تهاجمی بر اساس قدرت و برحسب ادبیات نئورئالیسم تدافعی براساس امنیت تعریف می‌شود. دولت‌ها با توجه به سرشت آنارشیک سیستم بین‌الملل و فقدان هیچ نوع مرجعی برای جلوگیری از وقوع تجاوز مجبورند که تنها به خودشان برای دفاع از منافع، حاکمیت و بقای

فعلی خود تکیه کنند. بنابراین، قدرت بدین خاطر که بقای دولت را تضمین می‌کند به «پول رایج» روابط بین‌الملل تبدیل می‌شود. براساس رئالیسم تهاجمی، دولت‌ها به طور فزاینده‌ای به دنبال بیشینه کردن قدرت هستند تا از اقدامات تهاجمی رقبای همتای خود پیشگیری نمایند. (Mearsheimer, 2003) اما براساس رئالیسم تدافعی دولت‌ها تنها به دنبال قدرت به مثابه ابزاری برای رسیدن به امنیت هستند. از نظر آنان امنیت در بین دولت‌های نسبتاً فراوان و گسترده است و دولت‌ها به جای توجه به امکان‌پذیری صرف تعارض بر مقوله‌ی احتمال *Probability* تعارض متمرکز می‌شوند. (Brooks, 1997: 445-447)

نئورئالیسم تدافعی استدلال می‌کند که دولت‌ها به طور احتیاط‌آمیزی پیگیری قدرت و امنیت خود را متوازن می‌کنند. آگاهی از دشواری و استحکام آنارشی، معضل امنیت و تمایل دولت‌ها به برقراری توازن علیه قدرت، مانع از تلاش دولت برای قدرت‌طلبی بیشتر خواهد شد. زیرا به نظر آنها چنین اقداماتی باعث تهییج دیگر دولت‌ها به ایجاد ائتلاف‌های مخالف خواهد شد که امنیت بلندمدت آنها را از بین می‌برد. (Walt, 1985: 3-43) به دلیل خطر همواره تهدیدکننده‌ی بقا در آنارشی، دولت‌ها به وسیله‌ی تقلید (از طریق جامعه‌پذیری) به وسیله‌ی بسیج و تقویت و منابع داخلی (توازن داخلی) و یا به وسیله‌ی شکل‌دهی به ائتلاف با دیگر کشورها (توازن بیرونی) در جستجوی توازن علیه همتایان‌شان هستند. (Mearsheimer: 156)

نئورئالیست‌ها درباره‌ی همکاری معتقدند که: ۱- همکاری در شرایط آنارشی شبیه معمای زندانی است که به این دلیل که در آن الگوی رفتاری معین و مشخصی وجود ندارد، دولت‌ها را نگران امر تقلب در همکاری می‌کند. ۲- نگرانی درباره‌ی توزیع دست‌آوردها و مزایا مانع از همکاری بین دولت‌ها خواهد شد. نئورئالیست‌ها استدلال می‌کنند که دولت‌ها بیشتر بر دست‌آورد نسبی تأکید می‌کنند تا دستاوردهای مطلق. در نتیجه چون دولت‌ها نگران‌اند که شرکایشان به طور نامتقارنی از مزایای همکاری بهره‌مند شوند، همکاری را رها خواهند کرد. (Grieco, 1988: 485-507) از نظر نئورئالیست‌ها این قاعده هم در مورد توافقات عرصه‌ی نظامی صادق است که مستقیماً بر احتمال بقای دولت‌ها تأثیر می‌گذارد و هم در مورد عرصه‌ی اقتصادی. زیرا ظرفیت اقتصادی نهایتاً با توانمندی‌های نظامی مرتبط است. (Snidal, 1991: 701-723) ۳- دولت‌ها نگران

این موضوع هستند که همکاری باعث وابستگی متقابل خواهد شد. زیرا در یک سیستم بین‌الملل خودیارانه، خودبستگی و خوداتکایی یک خط‌مشی (Policy) و سیاست عقلانی‌تری از وابستگی متقابل و آسیب‌پذیری آن است. (Waltz: 16)

پیش‌بینی‌های نئورئالیسم در مورد رفتار دولت‌ها: با توجه به اصول کلی نئورئالیسم، ما می‌توانیم چندین پیش‌بینی را درباره‌ی رفتار دولت‌ها ترسیم نماییم. اول: ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم که سیستم بین‌الملل را در ویژگی آنارشیک بباییم که از دولت‌های ذره‌ای و شبیه به هم تشکیل شده است. این دولت‌ها براساس نئورئالیسم باید حاکمیت داشته باشند و ارزش بقا، بالاترین جایگاه برای آنها داشته باشد. باید انتظار داشت که آنها برای رسیدن به امنیت تلاش کرده و در مقابل همکاری به خصوص در شرایط توزیع نابرابر امتیازات و دست‌آوردها مقاومت کنند. هم‌چنین ما باید انتظار داشته باشیم که همکاری تحت حفاظت و نظارت هژمون عملی است و در شرایط عدم وجود چنین هژمونی دشوارتر است. به همین سان از آنجا که فرض می‌شود دولت‌ها امنیت‌جو هستند، همکاری‌های بین‌دولتی باید به‌وسیله‌ی وجود یک تهدید مشترک افزایش یافته و با از بین رفتن آن تهدید مشترک کاهش یابد و از بین برود. با توجه به اصل توازن قدرت، ما باید انتظار داشته باشیم زمانی که دولت‌ها با قدرت طلبی یک کشور برای کسب جایگاه هژمونی روبرو می‌شوند، همکاری با دیگران به منظور ایجاد بالانس و توازن علیه طرف قدرتمند شکل بگیرد.

انواع موازنه:

- ۱- موازنه‌ی متعارف از طریق توازن سلاح‌های متعارف و ورود به ائتلاف‌های رسمی؛
- ۲- موازنه‌ی نامتعارف از طریق کسب بازدارندگی هسته‌ای. (Scott and Kenneth, 2002)

ب: تهدیدات تغییر توازن قدرت منطقه‌ای از منظر عربستان

تحلیل‌گران غربی بیشتر بر نگرانی‌های امنیتی عربستان در پیگیری تسلیحات اتمی متمرکز می‌شوند. همان‌گونه که مقامات این کشور مستمراً اعلام کرده‌اند، تأکید بر حفظ مرزهای ملی و

منافع ملی این کشور و بازداشتن قدرت‌های منطقه‌ای از تجاوز می‌تواند دلیلی برای این سیاست سعودی‌ها باشد.

ب-۱: تهدیدات متعارف عربستان و موازنه‌گری متعارف از سوی این کشور:

به طور کلی ۲ عامل عربستان سعودی را نسبت به تهدیدهای منطقه‌ای آسیب‌پذیر می‌سازد. نخست عربستان سعودی دارای تأسیسات و منابع انرژی زیادی است که می‌تواند مورد حمله قرار گیرد. این کشور حدود ۲ میلیون کیلومتر مربع وسعت داشته و به‌جز پایتخت این کشور، دیگر مراکز مهم صنعتی و اقتصادی آن در نزدیک کناره‌های خلیج فارس و دریای سرخ قرار داشته که می‌تواند مورد حمله‌ی دشمن قرار گیرد. (Lippman, 2008) به عنوان مثال، بیشتر تأسیسات نفتی و کارخانجات آب شیرین‌کنی عربستان در کناره‌ی خلیج فارس قرار دارد. و دیگری این که دارا بودن بزرگترین ذخیره‌ی نفتی جهانی که این کشور را آسیب‌پذیر می‌سازد. گودت بهگت (Gawdat Bahgat) بر آن است که دو عامل ژئواستراتژیک فوق به‌طور طبیعی عربستان را در مقابل یک همسایه‌ی قوی تهدید می‌کند. (Gawdat, 2006: 425) برای مثال، تهدید عراق در سال ۱۹۹۱ برای حمله به عربستان نمونه‌ی این آسیب‌پذیری‌هاست. (Richard, 2001: 2) از این رو، عربستان با درک اجبار انجام موازنه‌ی قدرت، سعی کرده است با خریدهای کلان نظامی متعارف از کشورهای غربی و به‌خصوص ایالات متحده و قراردادهای امنیتی با آنان، از طریق متعارف خود را در مقابل تهدیدات فوق ایمن سازد.

ب-۲: تهدیدات غیر متعارف و تلاش برای موازنه‌گری نامتعارف:

دو عامل مهم‌تر سبب تغییر توازن منطقه‌ای به ضرر عربستان شده که نمی‌تواند آن را با خریداری نظامی متعارف جبران کنند. از این رو، بنا به استدلال این مقاله، این عوامل بهتر می‌تواند فعالیت‌های پیگیر عربستان را برای دستیابی به سلاح هسته‌ای توضیح دهد. این دو عامل عبارتند از: ۱- توانمندی‌های موشکی و هسته‌ای اسرائیل که می‌تواند عربستان را تهدید کند. (Ibid:71) این محرک بنا به اظهارات محمد خلیوی سبب پیگیری برنامه‌ی هسته‌ای

عربستان از دهه‌ی ۱۹۷۰ گردید. (<http://www.nti.org>, 2010) روابط عربستان و اسرائیل بسیار پیچیده است، زیرا از یکسو عربستان می‌کوشد از درگیری با اسرائیل پرهیز کند، ولی از سوی دیگر به طور تاریخی از گروه‌های اسلامی مقاومت حمایت مالی و نظامی کرده است. به طور کلی هرچند این محرک (اسرائیل) سبب پیگیری تسلیحات هسته‌ای از سوی عربستان در دهه‌های گذشته شده است، اما به تعبیر بهگت حمایت اخیر عربستان از صلح خاورمیانه بیانگر تمایل عربستان به تنش‌زدایی و پذیرش اسرائیل است. (Bahgat: 425) و به همین دلیل این انگیزه اکنون خیلی تبیین‌گر نیست.

۲- محرک بعدی که توسط تحلیل‌گران به عنوان اصلی‌ترین محرک تجدیدنظر عربستان به سبک سلاح هسته‌ای پس از ۲۰۰۱ شده است، تلاش ایران برای تسلط بر چرخه‌ی کامل هسته‌ای است. فارغ از دلایل ایران که حق غنی‌سازی را در چارچوب حقوق بین‌الملل پیگیری می‌کند، تلاش‌های این کشور در این زمینه به طور طبیعی توازن قوای منطقه را به ضرر عربستان برهم می‌زند. موفقیت ایران در این زمینه سبب سلطه و نفوذ بیشتر ایران در دیگر نقاط مورد مناقشه‌ی دو طرف چون عراق، لبنان، افغانستان به ضرر عربستان تمام می‌شود. سیاست خاورمیانه بر آن است که پیشرفت در برنامه‌ی هسته‌ای ایران از نظر عربستان به عنوان نشانه‌ای از تهدید شیعی در منطقه است. (www.cfr.org) مقامات سعودی نگران این هستند که با ایران هسته‌ای نمی‌توانند به طور متعارف در خرید تسلیحات متعارف نظامی به موازنه ایجاد کنند و به همین دلیل باید به سوی تسلیحات هسته‌ای بروند.

بخش دوم: جایگاه سلاح هسته‌ای در راهبرد امنیتی این کشور

به تعبیر بسیاری از پژوهشگران عربستان درباره‌ی انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای استراتژی منظم و تدوین شده نداشته است و بیشتر تلاش‌های گذشته این کشور مبتنی بر کسب سلاح هسته‌ای بوده است. می‌توان استراتژی عربستان را در زمینه‌ی انرژی هسته‌ای با هدف کسب

سلاح در ۳ مورد زیر بیان نمود: الف- کسب بازدارندگی هسته‌ای؛ ب- ورود به ائتلاف با قدرت‌های هسته‌ای مشتمل بر چتر هسته‌ای آنها برای عربستان، و پ- تلاش برای ایجاد منطقه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای. (www.guardian.co.uk)

راهبرد کسب بازدارندگی هسته‌ای

در یک تحلیل تاریخی مشخص می‌شود که عربستان از دو طریق توسعه‌ی تأسیسات هسته‌ای داخلی و خرید خارجی سعی در کسب سلاح هسته‌ای داشته که به طور همزمان آنها را پیگیری کرده است. اما به دلیل ضعف بنیان‌های داخلی به گزینه‌ی خرید خارجی بیشتر تأکید ورزیده است.

اولین نشانه‌ای که از نظر تحلیل‌گران مسائل نظامی حاکی از تمایل عربستان به یک سلاح هسته‌ای و در نتیجه اعمال فشار ایالات متحده به عربستان مبنی بر امضای پیمان NPT است، موضوع خرید ۳۶ فروند موشک میان‌برد CSS-2 با برد ۱۹۰۰ مایل در سال ۱۹۸۸ از سوی عربستان بود. (Lippman) فارغ از بحث خرید موشک که عربستان سعی در توجیه آن در جهت احیای موازنه در مقابل ایران و عراق داشت، بحث ویژگی‌های کیفی این موشک‌ها بود. زیرا موشک‌های کلاس CSS-2 موشکی برای حمل کلاهک‌های نامتعارف (به‌خصوص هسته‌ای) بود. از لحاظ نظامی این موشک‌ها به دلیل دقت پایین آن استفاده چندانی برای حمله به اهداف خاص نداشت و ارزش نظامی آن تنها در سیستم انتقال کلاهک‌های بیولوژیکی، شیمیایی و هسته‌ای آن بود. زیرا در خصوص این نوع استفاده (استفاده با کلاهک غیرمتعارف) موضوع دقت برخورد با هدف از اهمیت چندانی برخوردار نبود. (www.fas.org) تحویل چنین موشک‌هایی به عربستان سعودی از نظر تحلیل‌گران نظامی آمریکا به عنوان نشانه‌ای مبنی بر وجود برنامه‌ی پنهانی عربستان برای کسب سلاح هسته‌ای بود که موجب ترس از گسترش «بمب اسلامی» می‌شد. (Cordesman, 2003: 324) رژیم صهیونیستی نیز در چنین شرایطی با درک تهدید استقرار چنین موشک‌هایی اعلام کرد که به حمله‌ی نظامی به علیه استقرار

موشک‌ها، برای از بین بردن هرگونه تهدید احتمالی کلاهک‌های هسته‌ای این رژیم اقدام می‌کند. در چنین شرایطی به بیان لیپمن ایالات متحده سعی کرد:

- رژیم صهیونیستی را از هرگونه حمله‌ی نظامی به عربستان باز دارد؛
 - ناخرسندی عمیق خود را به عربستان متذکر شده، البته به گونه‌ای که به روابط تجاری و راهبردی آنها آسیب وارد نشود؛ (Gertz: 12)
 - کنگره را ترغیب به عدم قطع معاملات تسلیحاتی آمریکا به عربستان نماید؛
 - اصرار به عربستان برای پیوستن به NPT برای تضمین عدم پیگیری کلاهک هسته‌ای نماید.
- در نهایت ریچارد مورفی مشاور وقت امور خارجه در گزارشی به اعضای کمیته‌ی روابط خارجی کنگره اعلام کرد:

«عربستان سعودی در سطح پادشاه به ما تضمین داده است که هیچ تصمیمی برای یک سلاح هسته‌ای یا شیمیایی ندارند.» (Ibid)

این تضمین اشاره به نامه‌ی ملک فهد به ریگان و تصمیم عربستان به امضای NPT اشاره می‌کرد. این اولین نشانه‌ی علنی از نظر تحلیل‌گران مسائل نظامی در مورد تمایل عربستان سعودی به کسب سلاح‌های نامتعارف و وسایل پرتابی آن می‌باشد.

دومین نشانه‌ای که توجه تحلیل‌گران نظامی به تلاش‌های عربستان سعودی در زمینه‌ی یک سلاح هسته‌ای متمرکز شد، موضوع پناهندگی محمد خلیوی دیپلمات سابق عربستان سعودی به ایالات متحده در سال ۱۹۹۴ بود. خلیوی برخی اسناد در زمینه‌ی کوشش‌های پنهانی عربستان سعودی برای کسب سلاح هسته‌ای را به مقامات آمریکایی تحویل داد. وی افشا نمود که مقامات عربستان برنامه‌ی تحقیقاتی پنهانی در زمینه‌ی سلاح هسته‌ای از سال ۱۹۷۵ که در آن هنگام با هدف تولید بمب هسته‌ای برای مقابله با اسرائیل که در جنگ ۱۹۷۳ سرزمین‌های عربی را اشغال کرده بود، در پیش گرفته‌اند. براساس گفته‌های خلیوی برنامه‌ی تسلیحات هسته‌ای عربستان تحت ریاست شاهزاده سلطان وزیر دفاع و برادر ملک فهد قرار داشت که محل اصلی آنها در مرکز تحقیقات اتمی الخرج Al- Kharaj در مجموعه‌ی نظامی السلایل Al- Sulayyil واقع بود. در این پروژه متخصصان هسته‌ای خارجی نیز در تجهیز منابع

علمی و فنی به کار گرفته می‌شدند. تکنسین‌های سعودی نیز ماه‌ها در تأسیسات هسته‌ای عراق و پاکستان آموزش می‌دیدند. (Colvin, 1994)

مدارک خلیوی حاکی از آن بود که عربستان سعودی هم‌چنین در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به برنامه‌ی تسلیحات هسته‌ای پاکستان و عراق کمک مالی کرده است، به این امید که این کشورها پس از موفقیت تولید سلاح هسته‌ای به حفظ امنیت عربستان سعودی در مواقع بحرانی کمک نمایند. (www.sipri.org) این مدارک نشان‌دهنده‌ی تولید بومی و خرید خارجی در راهبرد کسب بازدارندگی هسته‌ای است.

از سال ۱۹۷۵ مقامات عربستان کمک‌های مالی خود را برای توسعه‌ی صنایع هسته‌ای پاکستان به این کشور شروع کردند. براساس نظر رابرت بایر تحلیل‌گر سابق سازمان سیا این کمک به پاکستان بالغ بر ۱ میلیارد دلار برای ساختن «بمب اسلامی» و ۱ میلیارد دلار برای توسعه‌ی هواپیماهای F16 آمریکایی برای حمل سلاح هسته‌ای در دهه‌ی ۱۹۸۰ بود. (http://wmdinsights.org) توماس وودرو تحلیل‌گر مسائل چین در آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا نیز بر آن است که عربستان علاوه بر توسعه‌ی سلاح هسته‌ای پاکستان به برنامه‌ی خرید موشکی پاکستان از چین نیز کمک مالی کرده که در واقع عربستان از طریق پاکستان قصد خرید مواد هسته‌ای و موشک از چین داشته است. (www.jamestown.org) پس از موفقیت پاکستان در آزمایش سلاح هسته‌ای خود در سال ۱۹۹۸ کمک‌های عربستان نیز به این کشور ادامه داشت که می‌توان از تحویل روزانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت رایگان و ثبت نشده به این کشور نام برد. در ادامه‌ی این تعاملات سلطان بن عبدالعزیز، وزیر دفاع عربستان از تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم کاهوتا Kahuta- لابراتوار تحقیقاتی عبدالقدیرخان- دیدن نمود و یک سال بعد در نوامبر ۱۹۹۹ دکتر عبدالقدیرخان برای سخنرانی در «سمپوزیوم منابع اطلاعات در جهان اسلام» شرکت نمود. (Feldman:7)

از نظر تحلیل‌گران نظامی سفر ۱۹ اکتبر عبدالله بن عبدالعزیز (پادشاه کنونی و ولیعهد وقت) به همراه سعود الفیصل وزیر دفاع، چند تن از وزرای کابینه و هیأتی ۲۰۰ نفره به پاکستان در راستای تقویت همکاری‌های نظامی و خرید تسلیحات هسته‌ای بوده است.

(www.globalsecurity.org) در کنفرانس خبری پایانی این دیدار عبدالله همکاری‌های دفاعی هند و اسرائیل را عامل اصلی تشدید مسابقه‌ی تسلیحاتی در منطقه دانست. سرهنگ آهارون زیوی رئیس اطلاعات نظامی وزارت دفاع اسرائیل در گزارش خود به کمیته‌ی دفاعی و امور خارجی کنست (مجلس اسرائیل) در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ آورده است:

«مقامات عربستان سعودی به دنبال مذاکره با مقامات پاکستانی به منظور خرید کلاهک هسته‌ای برای موشک‌های CSS-2 خود بوده‌اند». به همین دلیل بود که بلافاصله مقامات اسرائیلی برای برقراری روابط سیاسی مخفیانه با پاکستان اقدام نمودند. (Ibid, 2003)

علاوه بر پاکستان، عربستان نیز در طول دهه‌ی ۱۹۸۰ کمک‌های مالی برای توسعه‌ی تسلیحات اتمی خود، به عراق کرده است. بنا به تحلیل نیافلدمن از ۲۵ میلیارد دلار کمک مالی عربستان به عراق، ۵ میلیارد دلار آن به پروژه‌های مخفی توسعه‌ی تسلیحات اتمی این کشور که شامل ایجاد یک مرکز غنی‌سازی پیشرفته و احتمالاً بازسازی نیروگاه تخریب شده‌ی زیراک (به‌وسیله‌ی حمله‌ی اسرائیل در سال ۱۹۸۱ نابود شد) بوده است. (Feldman: 6) بنا به اظهارات خلیوی عراق توافق کرده بود که عربستان در صورت کمک مالی به عراق، در سلاح‌های هسته‌ای آینده‌ی عراق سهم داشته باشد.

پیش از جنگ عراق در سال ۲۰۰۱ ریچارد راسل در مقاله‌ای با عنوان «گزینه‌های هسته‌ای سعودی» (۲۰۰۱) درباره‌ی مقوله‌ی تلاش عربستان برای تولید یک سلاح اعلام کرد: «باید واقع‌بین باشیم، برای ریاض غیرمعتقول است که بپذیرد آمریکا برای تأمین امنیت ملی این کشور تحت هر شرایطی از این کشور دفاع می‌کند... پس کسب سلاح هسته‌ای و سیستم‌های پرتابی آن برای عربستان نه تنها منطقی بلکه ضروری است». (Russell: 70)

از اکتبر ۲۰۰۳ به بعد رسانه‌های غربی اخباری در مورد توافقنامه‌ی دفاع هسته‌ای بین دو کشور (عربستان سعودی و پاکستان) منتشر کردند. مثلاً در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۳ روزنامه گاردین در مقاله‌ای به عنوان «سعودی بمب هسته‌ای را مد نظر قرار می‌دهد» منتشر کرد که در آن تصریح شده بود، عربستان اخیراً درصدد بازنگری استراتژی خود در مورد گزینه‌های یک سلاح هسته‌ای برای تأمین امنیت ملی خود است. نویسندگان در پایان مقاله‌ی خود نتیجه می‌گیرند که

به دلیل امتناع اسرائیل از پذیرش صلح سلاح هسته‌ای و تلاش ایران برای توسعه فعالیت‌های هسته‌ای خود چشم‌انداز گزینه‌ی سوم (منطقه‌ی عاری از تسلیحات هسته‌ای) طرحی شکست‌خورده است و عربستان برای تأمین امنیت ملی خود به دنبال گزینه‌های اول و دوم تعیین کسب سلاح هسته‌ای و یا توافقنامه‌ی امنیتی - هسته‌ای با کشورهای اتمی است. (MacAskill and Traynor)

مجله‌ی آلمانی سیسرو (Cicero) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «برنامه‌ی هسته‌ای سری عربستان» در آوریل (۲۰۰۶)^۱ اعلام کرد که سفر متخصصان هسته‌ای پاکستان به عربستان برای کمک به برنامه‌ی هسته‌ای سری این کشور در پوشش انجام فرضیه‌ی حج صورت گرفته است. این مقاله مدعی است که عکس‌های ماهواره‌ای از شهر السلایل در ۵۰۰ کیلومتری جنوب ریاض نشان‌دهنده‌ی وجود شهری زیرزمینی مشتمل بر سیلوهای موشکی از نوع موشک‌های میانبرد «غوری» پاکستان و موشک‌های CSS-2 است. (www.globalsecurity.org)

تلاش برای کسب وسایل پرتابی کلاهک هسته‌ای

۱- موشک‌های CSS-2

خرید این موشک‌ها به سال ۱۹۸۸ برمی‌گردد. هرچند منابع اعلام شده حاکی از خرید ۳۶ فروند داشتند، ولی برخی منابع تعداد دقیق آن را ۶۰ فروند ذکر کرده‌اند. این موشک‌های میان‌برد با برد ۱۹۰۰ مایل و وزنی حدود ۷۰ تن با دقت کم برای نابودی اهداف شهری یا صنعتی است و بیشتر در چارچوب استراتژی هسته‌ای قابل تحلیل هستند. از نظر کرودزمن عربستان سعودی موشک‌های CSS-2 را در دو جبهه مستقر کرده است؛ در منطقه‌ی پایگاه هوایی الخرج Al Karaj در جنوب ریاض و دیگری منطقه‌ی السلایل در جنوب غربی ریاض. (Cordesman, 2003: 325) جان پایک از متخصصان جامعه‌ی دانشمندان اتمی معتقد است که این موشک‌ها با کلاهک‌های متعارف

1- Majala almaniya taz'am an al-Saudiya ta'amal ala barnamij nawawi siri"[German Magazine Claims that Saudi Arabia is Working on a Secret Nuclear Program], Cham Press, March 30, 2006

مسلح شده و برخی از آنها به سوی سایت‌های ایرانی نشانه رفته‌اند. (www.fas.org) هرچند از نظر برخی متخصصان نظامی قابلیت عملیاتی این موشک‌ها از لحاظ فنی و فناوری پایین و نسبت به انواع مدرن موشک‌ها در منطقه از رده خارج به حساب می‌آیند. به تازگی ساخت این موشک‌ها از سوی متخصصان چینی به انجام رسیده و گزارش‌هایی در خصوص تلاش عربستان برای ارتقای فنی آنها تهیه شده است. (Cordesman, 2003: 324)

۲- تلاش برای خرید موشک Hatef-V از پاکستان

پاکستان در ماه می ۲۰۰۲ موشک جدیدی با نام Hatef-V با سوخت مایع و برد ۸۰۰ مایل با فناوری کره شمالی مورد آزمایش قرار داد. هرچند برد این موشک نصف برد موشک‌های CSS-2 است، ولی عربستان به گمان برخی متخصصان خواستار خرید این موشک‌ها شده است. (Lippman, 2008: 8) زیرا برد این موشک‌ها عربستان را برای رسیدن به اهدافش در مقابل ایران، عراق و رژیم صهیونیستی کمک خواهد کرد. ویژگی این موشک قابلیت حمل کلاهک‌های نامتعارف است.

۳- موشک‌های غوری پاکستان

برخی عکس‌های هوایی از منطقه‌ی السلایل عربستان حاکی از احتمال استقرار موشک‌های شبیه به موشک‌های «غوری» پاکستانی است. از نظر کوردزمن برخی شواهد بیانگر آغاز تلاش‌های عربستان از مارس ۲۰۰۹ برای خرید موشک‌های جدید با قابلیت حمل کلاهک‌های نامتعارف بوده است. کشورهای کره شمالی و پاکستان، کشورهایی هستند که گمان می‌رود عربستان در پی خرید نظامی از آنها باشد. (Cordesman, 2003: 327)

بخش سوم: تاسیسات هسته‌ای عربستان

به طور کلی عربستان سعودی از لحاظ ساختار عملی، فنی و تجربی داخلی مورد نیاز برای توسعه‌ی سلاح هسته‌ای در سطح بسیار نازلی قرار دارد (www.sipri.org, 2004) و از

طرف دیگر در زمینه تولید برق هیچ راکتوری در اختیار نداشته و دانشمندان این کشور در خصوص غنی سازی برای تولید سوخت، تبدیل مواد، فراوری یا بازفراوری تجربه‌ی لازم را ندارند. عربستان سعودی اخیراً سعی در توسعه‌ی انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز به عنوان بخشی از ابتکار شورای همکاری خلیج فارس در «برنامه‌ی هسته‌ای مشترک» داشته است. به عنوان مثال این کشور در می ۲۰۰۸ «یادداشت تفاهم همکاری هسته‌ای» با ایالات متحده را امضا نمود. اخیراً و مذاکراتی نیز با فرانسه در زمینه‌ی همکاری‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به انجام رسانده است. (www.state.gov, 2008) به هر حال، این کشور داری برخی تأسیسات مرتبط با چرخه‌ی سوخت است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۱- مواد معدنی هسته‌ای و تأسیسات فراوری آن

عربستان سعودی ذخایر اورانیوم شناخته شده‌ی چندانی ندارد و اخیراً مقدار بسیار کمی اورانیوم و نوریوم در کوه‌های تبوک کشف شده که در بخش‌های مرکزی و شمال غربی این کشور قرار دارد. تا امروز این معادن مورد عملیات استخراجی قرار نگرفته‌اند، اما این کشور دارای ذخایر عظیم فسفات است که می‌تواند در عملیات احتمالی هسته‌ای عربستان مورد استفاده قرار گیرد. اگرچه هزینه‌ی جداسازی اورانیوم از اسید فسفریک بسیار بالاتر از خرید اورانیوم از خارج است، اما به دلیل خطرات سیاسی خرید اورانیوم از خارج، این کشور می‌تواند بر روی جداسازی اورانیوم از اسید فسفریک سرمایه‌گذاری نماید. (www.state.gov, 2008) ذخایر فسفات عربستان در حوزه‌های زیر است.

الف- منطقه‌ی الجلامیه با ذخیره‌ی ۲۱۳ میلیون تن فسفات با غلظت ۲۱ درصد P205؛

ب- منطقه‌ی ام و آل با ذخیره‌ی ۵۳۷ میلیون تن فسفات با غلظت ۱۹ درصد P205؛

ج- منطقه‌ی العمود با ذخیره‌ی ۲۴ میلیون تن فسفات با غلظت ۲۱/۵ درصد P205؛

د- منطقه‌ی صنم با ذخیره‌ی ۲۳ میلیون تن فسفات با غلظت ۱۷ درصد P205.

کمپانی‌های دولتی المعادن و ساییک در منطقه‌ی الجلامیه واقع گردیده و فسفات استخراج شده به شهر صنعتی الجیل فرستاده می‌شود. این کارخانه به همراه کارخانه‌ی Fertilizer ابن البیتار

حدوداً سالانه ۴/۵ میلیون تن فسفات ۲۰۵ یا غنای ۳۲ درصد تولید می‌کنند.
(www.maaden.com.sa)

۲- کارخانجات تبدیل مواد

عربستان سعودی تأسیسات صنعتی یا آزمایشگاهی در زمینه‌ی تبدیل مواد ندارد.

۳- تأسیسات غنی‌سازی

عربستان سعودی هیچ‌گونه تأسیسات شناخته شده‌ای در مورد غنی‌سازی ندارد.

۴- تولید سوخت

عربستان سعودی هیچ‌گونه تأسیسات صنعتی و آزمایشگاهی شناخته شده‌ای در مورد تولید سوخت ندارد.

۵- رآکتورهای تولید برق

در حال حاضر هیچ‌گونه رآکتورهای هسته‌ای برای تولید برق در عربستان وجود ندارد. اما دانشمندان سعودی مطالعاتی را از سال ۱۹۷۸ در خصوص امکان تولید برق هسته‌ای انجام داده‌اند. (www-tc.iaea.org) دانشمندان عربستان در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ پژوهش‌هایی درباره‌ی مکان‌گزینی استقرار نیروگاه‌های تولید برق هسته‌ای انجام دادند که مکان احتمالی سایت‌ها در منطقه‌ی صنعتی جدّه- ظهران در نظر گرفته شده بود. (Kutbi, 1987: 49-63)

علاوه بر این مطالعاتی از سال ۱۹۷۸ در خصوص استفاده از نیروی هسته‌ای برای شیرین کردن آب در مرکز تحقیقات انرژی اتمی دانشگاه سلطان عبدالعزیز انجام داده‌اند.

(Fattah & Husseiny & Sabri, 1978: 163-185)

۶- تأسیسات فراوری و بازفراوری

عربستان سعودی هیچ‌گونه فعالیت بازفراوری در دست اقدامی ندارد، اما مرکز تحقیقات انرژی اتمی دانشگاه سلطان عبدالعزیز از چندین لابراتوار تحقیقاتی حمایت می‌کند که می‌تواند

در انجام اقدامات بازفروری مورد استفاده قرار گیرد مانند: «آزمایشگاه جداسازی فیزیکی» و «آزمایشگاه جداسازی رادیوشیمیایی».

۷- مصرف سوخت و ذخیره زباله‌ی هسته‌ای

به دلیل فقدان نیروگاه‌های تحقیقاتی با تولید برق در عربستان میزان زباله‌ی هسته‌ای تولید شده در عربستان ناچیز است که این مقدار عموماً توسط مراکز درمانی و دانشگاهی تولید می‌شوند. تولیدکنندگان اصلی زباله‌ی رادیواکتیو، لابراتورهای درمانی و تأسیسات دانشگاه عبدالعزیز و مرکز تحقیقاتی بیمارستان تخصصی ملک فیصل است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۹۴ با همکاری دانشمندان بخش مهندسی هسته‌ای دانشگاه ملک عبدالعزیز طرحی را برای ذخیره‌ی زباله‌های هسته‌ای برای تولید رادیو ایزوتوپ انجام دادند که تنها یک اتاق ۴۲ متری را در بر می‌گرفت.^۱

۸- شتاب‌دهنده‌ها و راکتورهای تحقیقاتی

در حال حاضر عربستان سعودی راکتورهای تحقیقاتی فعال ندارد، ولی چندین دستگاه شتاب‌دهنده را به شرح زیر خریداری کرده‌اند:

الف: شتاب‌دهنده‌ی سه مگاواتی General Lonex Tendetron که در لابراتور تحقیقات انرژی دانشگاه ملک فهد نصب شده است.

ب: سیکلوترون (Cyclotron CS-30) در این نوع دستگاه ذرات باردار را بعد از خروج از منبع به وسیله‌ی میدان‌های الکتریکی شتاب می‌دهد. این دستگاه در بخش رادیو داروشناسی مرکز تحقیقات بیمارستان تخصصی ملک فیصل قرار داشته و برای تولید ایزوتوپ‌های دارویی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (www.kfshrc.edu.sa)

1. See: SAU/9/004: Radioactive Waste Management and Processing Programme, Technical Cooperation Project, IAEA, 1995, .

۹- تحقیق و توسعه‌ی R&D

عربستان سعودی با همکاری کشورهای خوش‌نامی چون ژاپن، آلمان، سوئیس به‌طور مشترک در زمینه‌ی انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای اقداماتی را انجام داده است. (Feldman, 2004: 17) این کشور در زمینه‌ی مباحث نظامی نیز تحقیقاتی را با کشورهای عراق و پاکستان انجام داده است.

الف: مرکز تحقیقاتی هسته‌ای عربستان

مرکز تحقیقات انرژی اتمی (AERI) در شهر علم و تکنولوژی ملک عبدالعزیز در جده

این مرکز در سال ۱۹۸۸ تأسیس شده و مسئولیت تدوین برخی طرح‌ها در زمینه‌ی نظارت و اجرای طرح‌های ملی انرژی اتمی، انجام پژوهش در زمینه‌ی علوم هسته‌ای، آموزش و تربیت متخصصان هسته‌ای دیگر مراکز تحقیقاتی اتمی کشور را بر عهده دارد. این مرکز مشتمل بر چهار بخش حفاظت پرتوافکنی، کاربردهای صنعتی، راکتورهای هسته‌ای و مواد هسته‌ای است. (www.kacst.edu.sa, 2010) علاوه بر این، چند لابراتور دیگر تحت نظارت این مرکز قرار دارند که زمینه‌ی توسعه‌ی فناوری‌های پرتوافکنی، استفاده از شتاب‌دهنده‌های یونی و سایر فناوری‌های مرتبط با شتاب‌دهنده‌ها فعالیت می‌کنند. (Feldman, 2004: 18)

ب: مرکز تحقیقات اتمی (مجموعه‌ی السلایل نزدیک الخرج)

این مرکز تحقیقاتی هسته‌ای در سال ۱۹۷۵ در مجموعه‌ی نظامی السلایل ساخته شده است. مجموعه‌ی نظامی السلایل هم اکنون محل استقرار موشک‌های بالستیک CSS-2 نیز می‌باشد. این مرکز اصلی‌ترین مرکز مظنون به انجام تحقیقات هسته‌ای مرتبط با تولید سلاح هسته‌ای عربستان است. (Cordesman, 2003: 324)

نتیجه‌گیری (سناریوهای احتمالی آینده)

به‌طور کلی، از نظر مقامات عربستان سعودی، این کشور در معرض تهدیدات نامتعارفی قرار گرفته است که الزاماً می‌بایست از طریق نامتعارف با آن موازنه برقرار نماید. (www.contentking.eu) اما عربستان هم از لحاظ فنی، تکنولوژی و هم از لحاظ منابع انسانی و تجربه‌ی علمی دارای ساختار هسته‌ای ضعیفی بوده و به همین دلیل توانایی این کشور در

زمینه‌ی فعالیت‌های مرتبط با سلاح هسته‌ای مورد تردید جدی است. از این رو، در گذشته به منظور دسترسی به سلاح هسته‌ای اقداماتی چون تأمین مالی پروژه‌های هسته‌ای دیگر کشورها چون پاکستان و عراق و خرید تسلیحات هسته‌ای را در اولویت خود قرار داده است، ولی به دلیل آنچه از آن به عنوان «حساسیت نهادهای بین‌المللی» به شبکه‌های قاچاق تسلیحات و ادوات هسته‌ای (به‌خصوص شبکه‌ی عبدالقدیرخان) یاد می‌شود، پیگیری گزینه‌ی توسعه‌ی مراکز علمی و فنی هسته‌ای در داخل تحت پوشش «توسعه‌ی انرژی هسته‌ای صلح آمیز» به منظور توسعه‌ی توان تأسیساتی داخلی به منظور تولید سلاح هسته‌ای در آینده، اولین سناریوی احتمالی تکاپوهای هسته‌ای عربستان می‌باشد. شایان توجه است که تولید تأسیسات بومی در سال ۱۹۷۵ نیز اولین اولویت عربستان بوده است.

سناریوی دوم: خرید بیرونی که به طور همزمان با سناریوی اول منطقی به نظر می‌رسد. سناریوی سوم: تلاش برای موازنه از طریق تقاضا برای گسترش «چتر هسته‌ای» آمریکا بر منطقه می‌باشد.

سابقه‌ی گسترش تسلیحات هسته‌ای توسط آمریکا در مناطق مختلف جهان به دوران جنگ سرد بر می‌گردد که بحران موشکی کوبا ۱۹۶۳ نیز در واکنش به ذخیره‌سازی تسلیحات اتمی آمریکا در ترکیه بود. پیشنهاد گسترش چتر هسته‌ای آمریکا در خاورمیانه علیه ایران در واکنش به ترس از گسترش رقابت‌های هسته‌ای کشورهای عربی و کسب سلاح اتمی از بازار سیاه به‌واسطه‌ی درآمد بالای نفتی صورت می‌گیرد و در غیر این صورت هیچ یک از کشورهای عربی توانایی فنی و علمی تولید سلاح هسته‌ای را ندارند. (Tariq, 2009: 27) این طرح آمریکا مقدمه‌ی شروع رقابت‌های تهاجمی کشورهای عربی در شرایط تضمین امنیتی آمریکا علیه ایران در موضوعات منطقه‌ای خواهد بود و می‌تواند باعث افزایش بی‌ثباتی در منطقه گردد.

منابع

- 1- . Colvin,Marie(1994) "How an Insider Lifted the Veil on Saudi Plot for an 'Islamic Bomb,'" *Sunday Times* (London), July 24.
- 2- . Yana Feldman,(2004) "Country Profile 8: Saudi Arabia," *SIPRI*, At:
- 3- <http://www.sipri.org/research/disarmament/nuclear/researchissues/past_projects/issuses_of_concern/saudi_arabia/saudi_arabia_default > (accessible may 16, 2011)
- 4- Collard-Wexler, Simon. Integration Under Anarchy: Neorealism and the European Union. *European Journal of International Relations*.Vol. 12(3).
- 5- Waltz Kenneth (1979) *Theory of International Politics*. London: Addison-Wesley.
- 6- Buzan, Barry, Charles Jones and Rchard Little (1993) *The Logic of Anarchy:Neorealism to Structural Realism*. New York: Columbia University Press.
- 7- Mearsheimer, John (2003) *The Tragedy of Great Power Politics*. New York :Norton..
- 8- Brooks, Stephen G. (1997) 'Dueling Realisms', *International Organization* 51(3).
- 9- Walt, Stephen M. (1985) 'Alliance Formation and the Balance of World Power', *International Security* 9(5).
- 10- Grieco, Joseph (1988) 'Anarchy and the Limits of Cooperation: A Realist Critique of the Newest Liberal Institutionalism', *International Organization* 42(3).
- 11- Snidal, Duncan (1991) 'Relative Gains and Patterns of International Cooperation', *The American Political Science Review* 85(3).
- 12- Scott D. Sagan and Kenneth N. Waltz.(2002). *The Spread of Nuclear Weapons: A Debate Renewed*.New York: W.W. Norton.
- 13- Thomas Lippman,(2008) "Nuclear Weapons and Saudi Strategy," *Middle East Institute PolicyBriefNo.5*,January,at:<http://www.saudi-us-relations.org/articles/2008/ioi/080209-lippman-nuclear.html>.
- 14- Gawdat Bahgat, (2006) "Nuclear Proliferation: The Case of Saudi Arabia," *Middle East Journal* 60.
- 15- Richard Russell, (2001)A Saudi Nuclear Option?. *Survival* 43.

- 16- Nuclear Threat Initiative(2010) Research Library: Country Profiles: Saudi Arabia NuclearOverview.At:http://www.nti.org/e_research/profiles/Saudi_Arabia/Nuclear/index.html
- 17- Bernard Gwertzman, Interviewed in "Bronson: Saudis 'Deeply Concerned' Over Iran's Nuclear Program," Council on Foreign Relations website, April 3, 2006,at: <http://www.cfr.org/publication/10328/>.
- 18- Bernard Gwertzman, Interviewed in "Bronson: Saudis 'Deeply Concerned' Over Iran's Nuclear Program," Council on Foreign Relations website, April 3, 2006,at: <http://www.cfr.org/publication/10328/>.
- 19- John Pike, "Missile Proliferation: Saudi Arabia," Federation of the Atomic Scientists, <http://www.fas.org/irp/threat/missile/saudi.html>.
- 20- Anthony Cordesman, *Saudi Arabia Enters the Twenty-First Century*, London: Praeger, 2003.
- 21- Bill Gertz, "State, Pentagon worry about Saudi missiles," The Washington Times, 12 May 88, p. A3, and "East Wind missiles chill U.S. Saudi relations," The Independent, 2 May 88.
- 22- Gina Cabrera-Farraj and Sammy Salama, "Report Alleges Saudi Arabia Working on 'Secret Nuclear Program' with Pakistani Assistance," WMD Insights May 2006, at: http://wmdinsights.org/I5/ME2_SaudiArabia.html.
- 23- Thomas Woodrow, "The Sino-Saudi Connection,' China Brief, Vol. 2, No. 21, 24 October 2002,At:http://www.jamestown.org/publications_details.php?volume_id= 18&issue_id = 661&article_id=4680.
- 24- SaudiArabiaSpecialWeapons.At: <http://www.globalsecurity.org/wmd/world/saudi/index.html>.
- 25- Ibid, And ;Arnaud de Borchgrave, (2003) "Pakistan, Saudi Arabia in secret nuke pact," *Washington Times*, October 22.
- 26- "al-SulayyilMissileBase,"*GlobalSecurity*, <http://www.globalsecurity.org/wmd/world/saudi/al-sulayyil.htm>.
- 27- Saudi Arabia Country Profile: Nuclear Facilities Profiles," SIPRI, July 2004, <http://www.sipri.org/contents/excon/cnsc3sau.html>; and; Lippman .Op.cit.
- 28- "U.S.-Saudi Arabia Memorandum of Understanding on Nuclear Energy Cooperation," U.S.StateDepartmentwebsite,May16,2008,at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2008/may/104961.htm>.
- 29- "U.S.-Saudi Arabia Memorandum of Understanding on Nuclear Energy Cooperation," U.S.StateDepartmentwebsite,May16,2008,at: <http://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2008/may/104961.htm>.